



مسئله ۱۹: حکم خرد و بولی که نمی‌دانیم متعلق به حیواناتی است که بول و خرد او نجس است و یا متعلق به حیوانی است که بول و خرد او طاهر است.

۱. مرحوم سید در عروه می‌نویسد:

«(مسألة ۳): إذا لم يعلم كون حيوان معين أنه مأكول اللحم أو لا، لا يحكم بنجاسة بوله و روثه و إن كان لا يجوز أكل لحمه بمقتضى الأصل و كذا إذا لم يعلم أن له دماً سائلاً أم لا كما أنه إذا شك في شيء أنه من فضلة حلال اللحم أو حرامه، أو شك في أنه من الحيوان الفلاني حتى يكون نجساً، أو من الفلاني حتى يكون طاهراً، كما إذا رأى شيئاً لا يدرى أنه بعة فأر أو بعة خنفساء، ففي جميع هذه الصور يبني على طهارته.»<sup>۱</sup>

صورت‌های مسئله:

یک) نمی‌دانیم حیوانی مأكول اللحم است و یا غیر مأكول اللحم: (البته این در حیوانات ذی النفس السائلة مطرح است. ولی اگر حیوان مذکور غیر ذی النفس السائلة باشد، اصلاً مشکلی در طهارت آن نیست)

۱- یک) بول و خرد او طاهر است

۲- یک) اکل لحم او حرام است (اصالة عدم تذکیه)

دو) نمی‌دانیم حیوانی دارای دم سائل است یا دارای دم سائل نیست:

۱- دو) بول و خرد او طاهر است

۲- دو) اکل لحم او حرام است

سه) نمی‌دانیم این فضله حیوان حلال گوشت است و یا فضله حیوان حرام گوشت:

۱- سه) آن شيء طاهر است.

۱. العروة الوثقی (جامعه مدرسین)، ج ۱، ص ۱۲۰

چهار) نمی‌دانیم این فضله مربوط به موش است (و نجس است) یا مربوط به سوسک (و پاک است)

۱- چهار) آن شیء پاک است

توجه شود که فرق فرض سوم و چهارم، در آن است که در فرض سوم شک صرفاً بین حرام گوشت و حلال گوشت است ولی در فرض چهارم، شک بین دو حیوان است که حرام گوشتی و یا حلال گوشتی آنها مطرح نیست، بلکه نجس و پاکی عذره و بول آنها مطرح است. (و لذا مثال ایشان سوسک است که اصلاً گوشت ندارد)

۲. حضرت امام هم تحریر مسئله را چنین تقریر کرده‌اند:

«(مسألة ۲): لو شكّ في خُرء حیوان أنّه من مأکول اللحم أو محرّمه؛

(صورت یک): إمّا من جهة الشکّ في ذلك الحيوان الذي هذا خرؤه،

(صورت چهارم): و إمّا من جهة الشکّ في أنّ هذا الخُرء من الحيوان الفلانی الذي يكون خرؤه

نجساً أو من الذي يكون طاهراً، كما إذا رأى شيئاً لا يدري أنّه بعره فأر أو خنفساء فيحكم بالطهارة،

(صورت دوم: که امام تفصیل داده‌اند): وكذا لو شكّ في خُرء حیوان أنّه ممّا له نفس سائلة، أو من

غيره ممّا ليس له لحم، كالمثال المتقدم. و إمّا لو شكّ في أنّه ممّا له نفس أو من غيره ممّا له لحم

بعد إحراز عدم المأكولية؛ ففيه إشكال كما تقدّم؛ و إن كانت الطهارة لا تخلو من وجه.»<sup>۱</sup>

۳. و چنانکه دیدیم امام، صورت اول و چهارم سید را مطرح کرده‌اند و صورت سوم را متعرض نشده‌اند ولی

درباره صورت دوم حضرت امام تفصیل داده‌اند:

صورت دوم قسم اول: شك داریم بین اینکه آیا این بول و خرء حیوانی است که نفس سائله دارد (مرغ یا

موش) و یا حیوانی است که دارای نفس سائله نیست ولی لحم هم ندارد. (سوسک)

در این صورت چون احتمال طهارت مطرح است، حکم به طهارت می‌کنیم.

صورت دوم قسم دوم: شك داریم که آیا این بول و خرء حیوان دارای نفس سائله است (موش) و یا مربوط

به حیوانی است که نفس سائله ندارد ولی لحم دارد (ولی یقین داریم که مربوط به حرام گوشت است)

در این فرض احتیاط باید کرد.

۴. علت اینکه حضرت امام در این مورد اشکال کرده‌اند و سپس حکم به طهارت داده‌اند آن است، در چنین

موردی، اگر حیوان دارای نفس سائله نباشد و لحم نداشته باشد، خرء و بولش پاک است ولی حضرت امام

<sup>۱</sup>. تحریر الوسیلة، ج ۱، ص ۱۱۹



در طهارت بول و خرد حیوانی که نفس سائله ندارد ولی لحم دارد، و حرام گوشت است (ماهی‌های حرام)، اشکال کرده بودند و البته در نهایت حکم به طهارت کرده‌اند.<sup>۱</sup>

۵. حضرت امام، مطابق همین فرمایش خود در تحریر الوسیله، بر عروه هم حاشیه زده‌اند. ایشان ذیل تعبیر عروه که می‌فرمود: «و کذا إذا لم يعلم أن له دماً سائلاً أم لا» می‌نویسند:

«مع العلم بكونه ذا لحم الأحوط الأولى الاجتناب، و أمّا مع الشکّ فيه أيضاً لا يحکم بنجاسة بوله.»<sup>۲</sup>

۶. موضوع بحث ما حرمت یا حلیت اکل لحم نیست و لذا از این مسئله در می‌گذریم.

با توجه به صورت‌های مطرح شده، شک‌ها صورت‌های مختلف دارد ولی اصلاً نباید حرام گوشت و حلال گوشت را در این صورت‌ها وارد کرد. چرا که ملاک نجاست و طهارت، حرام گوشت بودن و یا حلال گوشت بودن نیست (چراکه حرام گوشت‌هایی داریم که فضله آنها پاک است مثل ماهی‌های حرام)

یک) شبهه موضوعیه: نمی‌دانیم فضله متعلق به حیوان نجس الفضله است و یا حیوان طاهرالفضله

دو) شبهه حکمیه: می‌دانیم این فضله متعلق به این حیوان معین است، اما نمی‌دانیم این حیوان طاهرالفضله است یا نجس الفضله (چون نمی‌دانیم جنس و نوع این حیوان چیست؟ چرا که متولد از سگ و گوسفند است)

سه) شبهه حکمیه: می‌دانیم این فضله متعلق به این حیوان معین است و نوع حیوان را هم می‌دانیم اما نمی‌دانیم این حیوان طاهرالفضله است و یا نجس الفضله (چون نمی‌دانیم این حیوان تحت کدام عنوان قرار دارد. آیا نفس سائله دارد یا ندارد).

### کلام مرحوم خوئی:

ایشان ابتدا به همین سه فرض نهایی اشاره می‌کند و می‌نویسد:

«الشکّ فی ذلک تارة من جهة الشبهة الحکمیة، كما إذا ولد حیوان مما یؤکل لحمه و ما لا یؤکل و لم یشبه أحدهما، و كما إذا شککنا فی الأرنب مثلاً أنه یحل أکل لحمه أو یحرم. و أخرى من جهة الشبهة الموضوعیة، كما إذا شککنا فی أن الموجود فی الخارج غنم أو قرد و لم یعلم حاله لظلمة و نحوها.»<sup>۳</sup>

ایشان درباره شبهه حکمیه می‌نویسد:

۱. ن ک: تحریر الوسیله، ص ۹۴، مسئله ۱

۲. العروه الوثقی (جامعه مدرسین)، ج ۱، ص ۱۲۱

۳. التنقیح، ج ۲، ص ۴۰۴

« أمّا الشبهات الحكمية: فالمرجع فيها إنما هو قاعدة الطهارة في كل من البول و الخرز، لأن النجاسة إنما علقت على كون الحيوان محرم الأكل شرعاً و لم نحرزه في المقام، و لذا نشك في طهارة بوله و نجاسته و مقتضى قاعدة الطهارة طهارة كل من بوله و خرثه. نعم، إنما يحكم بذلك بعد الفحص عن تشخيص حال الحيوان من حيث حرمة أكل لحمه و إباحته كما هو الحال في جريان الأصل في جميع الشبهات الحكمية.»<sup>١</sup>

و دربارہ شبہہ موضوعیہ می نویسد:

« و أمّا الشبهات الموضوعية: فحالها حال الشبهات الحكمية، فيرجع فيها أيضاً إلى قاعدة الطهارة من غير اشتراط ذلك بالفحص نظير غيرها من الشبهات الموضوعية.»<sup>٢</sup>



دس خانقہ قادریہ مدنی

١. همان، ص ٤٠٥

٢. همان